

نگارخانه

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

راهکارهای برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین / سید محمد حسینی دره صوفی

ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در حقوق ایران و افغانستان از منظر فقه اهل بیت / محمد زمان عارقی

بررسی فقهی شرطیت ختان در طواف / سید رضی قادری

جرم سرقت و مجازات آن از منظر فقه اسلامی، قوانین ایران و افغانستان / قربانعلی مبلخ

نظریه حرمت جهاد پیش از قیام حضرت مهدی، با نگاه نقادانه به نظرات عبدالله الموصلی / محمدجعفر میلان نورانی و همکاران

جستار در باب جهاد / قربانعلی حکیمی

عوامل برکت ساز و برکت سوز در قرآن کریم / سید محسن حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهرقائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هرت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب. مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

فهرست مطالب

۷	راهکارهای برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین
۲۳	ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در حقوق ایران و افغانستان از منظر فقه اهل بیت (ع) و فقه حنفیه
۴۵	بررسی فقهی شرطیت ختان در طواف
۶۱	بررسی جرم سرقت و مجازات آن از منظر فقه اسلامی، قوانین ایران و افغانستان
۱۰۱	بررسی نظریه حرمت جهاد پیش از قیام حضرت مهدی، با نگاه نقادانه به نظرات عبدالله الموصلی
۱۲۷	جستار در باب جهاد
۱۴۷	عوامل برکت ساز و برکت سوز در قرآن کریم

سید رضی قادری

چکیده:

بدون تردید طواف که از اعمال و مناسک واجبه در حج و عمره است دارای شرایطی است که رعایت آن لازم می‌نماید. از شرایط مهمه در طواف "ختان" در مردان است در این مقاله ابتدا به بررسی اقوال فقها از قدما و متاخرین و معاصرین پرداخته سپس ادله مسئله را مورد توجه قرار داده و آنگاه شرطیت ختان را در حج واجب و ندبی و نیز شرطیت آن در صبی را مورد بحث قرار داده و به این نتیجه رسیده است که این شرط از متفردات فقهی شیعه بوده و عمده دلیل آن روایات است هر چند اجماع بر آن اقامه شده باشد.

کلید واژه‌ها: طواف، ختان، اغلف، مختون، رجل، صبی

۱. مقدمه (پیشگفتار)

یکی از واجبات مهم عبادی در شریعت اسلامی «حج» است حج همچون دیگر واجبات عبادی دارای اجزاء و شرائط است. یکی از واجبات و ارکان حج «طواف کعبه» است که فرد با شرائط خاصی باید هفت دور خانه (کعبه) بگردد. (حلی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۷۵)

بدین صورت که در هر شوط باید از حجرالاسود شروع به و همان ختم بشود. (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۴۱۲) نام دیگر طواف در فقه «شوط» است با این تفاوت که طواف به مجموع انجام هفت شوط اطلاق می‌گردد. (مفید، ۱۴۱۰، ص ۴۵) تمامی فقها اعم از شیعه و سنی قائلند طواف از ارکان حج است و اگر کسی عمداً آن را ترک کند حجش باطل است ولی اگر سهواً ترک کند باید آن را بجا بیاورد یا اینکه نایب بگیرد تا برایش انجام بدهند. (حلی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۷۵) خود طواف نیز دارای اجزاء و شرائطی است که برخی از آن تحت عنوان مقدمات و شرائط طواف مطرح شده و برخی دیگر تحت عنوان «واجبات طواف» ذکر شده است. یکی از شرائط مطرح شده در باب طواف «شرطیت ختان» است که این شرط فقط مختص مردان است.

یعنی مردی که محرم شده و در پی انجام مناسک و اعمال حج است باید برای طواف، این شرط را دارا باشد و ختنه شده باشد حتی اگر تازه مسلمان شده باشد. این مقاله در پی بررسی این شرط از حیث اقوال و ادله می‌باشد.

۲. مفاهیم و واژگان: طواف، ختان

طواف در لغت به معنای احاطه کردن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۵۷) دور چیزی چرخیدن با پای پیاده (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹۵) را گویند. و طائف به کسی گویند که دور خانه می‌گردد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۲۲۵) اما در اصطلاح فقه «طائف» به کسی گویند که حول کعبه می‌گردد (راغب، ۱۴۲۶، ص ۵۳۲) کلمه طواف در قرآن کریم هم به معنای لغوی بکار رفته و هم به معنای اصطلاحی. (قلم ۱۹/ حج ۲۹)

ختان و ختانه در لغت اسم است و هو الموضع القطع من الذکر و الاثنی. موضعی

که در آلت تناسلی قطع می‌شود. (انیس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۸)

ختن برای مردان است و به معنای قطع الغلفة است و خفصی برای زنان است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۱۳۷) ختن یعنی بریدن و قطع کردن غلاف سر آلت تناسلی مرد. بنابراین اصطلاح ختنه و ختان غالباً برای مردان بکار می‌رود و در مورد زنان « خفص » گفته می‌شود.

شرطیت ختان در طواف نسبت به مردان:

بحث ختنه در دو باب از فقه بحث شده است: یکی در کتاب النکاح در باب احکام الاولاد، که فقها در آنجا «ختنه» را از سنتهای اسلامی بر شمرده و آن را واجب دانستند و در این حکم بین فقهای شیعه و سنی اختلافی نیست. البته اختلاف دیگری در آن باب مطرح است اینکه آیا ختنه بر ولی واجب است یا بر طفل واجب است البته بعد از بلوغ؟ غالب فقها در آن جا قائل شدند که بر ولی مستحب است و در صورتی که طفل را ختنه نکرد بر خود طفل واجب است که بعد از بلوغ ختنه کند.

دوم در کتاب الحج و در باب طواف است. یکی از شرائط طواف «ختنه بودن مردان» است این شرط را فقط فقهای شیعه مطرح کردند و فقهای اهل سنت قائل به آن نیستند. لذا در مباحث فقهی برخی از فقیهان معاصر صریحاً آمده است:

« شرطية الختان فهو من خصائص الفقه الامامي و لم نجد في كتب اهل السنة كدابة المجتهد للقرطبي و المغني لابن قدامة و الشرح الكبير المطبوع معه الموسوعة الفقهية الكويتية » (سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۶۵)

فقهای شیعه « شرطیت ختان » را گاهی در ضمن شرائط و مقدمات طواف و گاهی در ضمن واجبات و احکام طواف متذکر شده و اقوال و ادله آن را بررسی کرده‌اند.

۳. بررسی اقوال در مسأله

اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه که کتاب الحج تألیف کرده و باب طواف را مطرح کرده‌اند این شرطیت ختان را نیز متذکر شده‌اند. بندرت می‌توان یافت فقهایی که این شرط را متذکر نشده‌اند. برخی از فقهای شیعه همچون سید محمد کاظم یزدی در کتاب گرانسنگ عروة الوثقی هر چند مسائل حج را مفصلاً مطرح کرده لکن

ابوابی چون تروک احرام و اعمال حج را ندارد لذا متعرض بحث طواف و شرائط آن نشده است.

از تتبع در کلمات و کتب و اقوال علمای شیعه بر می آید که این مسئله ذات قولین است یعنی در این مسئله ۲ قول وجود دارد: ۱- قول به شرطیت ختان و ادعای اجماع در آن ۲- قول به تردید و توقف، که باید هر دو قول بررسی می شود.

۳-۱. قول اول: اعتبار شرطیت ختان

اکثر قابل توجهی از فقهای شیعه که شرطیت ختان را متذکر شده اند این شرط ختان را به عنوان اجماع یا قول مسلم و یا به عنوان قول اکثر پذیرفته و بر آن استدلال کرده اند.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵۸) و نیز در کتاب فتوایی خود «النهاییه» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۰) می فرماید: ولا یجوز للرجل ان یطوف بالبیت و هو غیر مختون و لایباس بذلک للنساء.

مرحوم علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام (۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۸۱) و در کتاب المنتهی بر این مطلب ادعای اجماع می کند (حلی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۶۹۰).

شهید ثانی در مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۲۹) و مرحوم صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۹۰) و محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۷۳) شرط چهارم از واجبات طواف را «ختان فی الرجل» مطرح کردند.

مرحوم صاحب جواهر نیز از فقهای است که در این مسئله ادعای اجماع کرده و می فرماید: بلا خلاف اجده فیه. (نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۹، ص ۲۷۴)

در بین معاصرین امام خمینی در تحریر الوسیله (امام خمین، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۷)، مرحوم آقای خویی در کتاب المعتمد (خویی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۳۰)، مرحوم فاضل لنکرانی در کتاب تفصیل الشریعه (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۳۰) و نیز قریب به اتفاق مراجع تقلید فعلی (مناسک حج مراجع تقلید، ص ۲۵۲-۲۵۴) این شرط را مطرح کرده و آن را بطور مسلم قبول کرده اند و بر طبق آن فتوی داده اند.

البته برخی از فقیهان شیعه این شرط را پذیرفته لکن آن را به عنوان قول اکثر ذکر

کرده و مسئله را اجماعی ندانسته‌اند که مرحوم نراقی در کتاب مستند الشیعه از همین قبیل است (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۵۵) و همچنین مرحوم صاحب ریاض که می‌فرماید: و الختان فی الرجل و فاذا للاکثر. (طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۲۵)

۲-۳. قول دوم: تردید یا توقف در شرطیت ختان

هر چند بسیاری از فقهای شیعه شرطیت ختان را به عنوان شرط مسلم پذیرفته و یا حتی ادعای اجماع در آن کرده‌اند لکن در مقابل عده قلیل از فقهای عظام هستند که در این مسئله تردید کرده‌اند.

در بین قدامت‌ها کسی که از او توقف یا تردید در شرطیت ختان مطرح شده «مرحوم ابن ادریس حلی» است. (حلی، ۱۲۸، ج ۱، ص ۵۸۰) و از متاخرین فقط شهید اول در کتاب دروس (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۶) و مرحوم سبزواری در ذخیره (۱۴۲۲، ص ۶۲۷) و کفایه (سبزواری، بی‌تا، ص ۶۶) در این مسئله تردید کردند.

۳-۳. جمع‌بندی اقوال

همان‌طور که از اقوال و کلمات فقهای بزرگوار از قدامت تا متاخرین و حتی معاصرین بدست می‌آید این مطلب است که اگر قائل به اجماع در مسئله نشویم باید بگوئیم شهرت بسیار قوی در اعتبار شرطیت ختان برای مردان در امر طواف ثابت است. هر چند در برخی از کلمات فقها تردید و توقف مطرح شده است، لکن این توقف و تردیدها صحیح نیست. چون در کلمات خود مرحوم ابن ادریس در السرائر مخالفت و تردیدی در مسئله بدست نمی‌آید. لذا صاحب جواهر در مورد مخالفت ابن ادریس می‌فرماید: «انه نقل عن ابن ادریس التوقف فی ذلک مع اننا لم نتحققه» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۲۷۴) از مرحوم ابن ادریس در این مسئله نقل مخالفت و توقف شده است لکن ما این توقف را ندیدیم.

همچنین هر چند از شهید اول در کتاب دروس نقل توقف در مسئله شده لکن شهید اول در کتب دیگرش همچون کتاب شریف لمعه بحث شرطیت ختان را مطرح کرده و آن را به طور مسلم پذیرفته است. (شهید اول، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۲۴) این در حالی است که کتاب لمعه بعد از کتاب دروس تألیف شده است.

برخی از فقهای شیعه مانند مرحوم اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان برای مخالفت و تردید ابن ادریس وجهی مطرح کرده و قائل شدند چون مبنای ابن ادریس بر عدم حجیت جز واحد است لذا دلیل مسئله که روایت است نزد او مقبول نیافتاد لذا قائل به تردید شد. (اردبیلی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۷۴) این وجه هم پذیرفته نیست چون در ادله مسئله ثابت خواهد شد که چند روایت صحیحه منضم و موید به اجماع داریم که ایشان در چنین مواردی مخالفتی نمی‌کند.

۱.۴. ادله بر شرطیت ختان

۱-۴. اجماع

یکی از دلایلی که برخی از فقیهان در شرطیت ختان مطرح کرده اند «اجماع» است. مرحوم ابوالصلاح حلبی که از قدمای فقهای شیعه است این مسئله را مورد اجماع تمام پیروان آل محمد (ص) می‌داند. (حلبی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۳) مرحوم علامه حلی در برخی از کتابش (حلی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۶۹۰) و نیز مرحوم صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۹۰) و همچنین مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۲۷۴) بر این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند و برخی دیگر از فقها این اجماع را نقل کرده‌اند.

جواب: این اجماع از دو جهت مخدوش است:

اولاً: اجماع در صورتی مقبول است که تمامی فقها آن مسئله مورد نظر را مطرح کرده و قبول کرده باشند لکن با تتبع در اقوای علما، مشخص می‌شود مسئله هر چند شهرت قوی دارد فی حد الاجماع، ولی اجماعی نیست چون برخی از فقهای شیعه این شرط را مطرح نکرده و برخی دیگر همچون ابن ادریس و شهید اول و مرحوم سبزواری توقف یا تردید و مسئله کرده‌اند. مضافاً که برخی از فقها در این مسئله قائل شده‌اند که قول اکثریت بر شرطیت ختان است نه اجماع، مانند مرحوم نراقی (نراقی،

۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۵۵) و مرحوم صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۲۵)

ثانیاً: بر فرض که در این مسئله اجماع در کار باشد لکن این اجماع از جهت دیگر دچار خدشه است به اینکه این اجماع مدرکی است و مدرک آن هم روایات صحیحه‌ای است که در این مسئله وجود دارد و برخی از فقهای بزرگوار در بررسی

ادله شرطیت ختان مستقیماً سراغ روایات رفتند و هیچ توجهی به اجماع نکردند مانند مرحوم فاضل اصفهانی (فاضل هندی) در کشف اللثام. (اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۱۲) و لذا این اجماع دلیل مستقل نخواهد بود و البته به عنوان مؤید مطرح است.

۲-۴. روایات

عمده دلیل در مسئله، روایات است. چند روایت در مسئله وجود دارد که چهار روایت آن به اتفاق علمای رجال « صحیحه » است.

از آنجایی که عمده دلیل همین روایات است پس هر یک از این روایات بررسی سندی تحلیل خواهد شد.

الف) محمد بن الحسن (شیخ طوسی) باسناده عن الحسين بن سعيد عن ابن ابی عمیر عن معاویة بن عمار عن ابی عبدالله (ع)

قال: الاغلف لا يطوف بالبیت ولا باس ان تطوف المرثة (حر عاملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۹، ابواب مقدمات طواف، باب ۳۳، حدیث ۱)

سند این حدیث معتبر بوده و کسی در سند این حدیث خدشه ای وارد نکرده است. سند مرحوم شیخ طوسی به حسین بن سعید هم سند معتبری است (حلی، ۱۴۳۱، ص ۲۷۵، فائده ثامنه) و بقیة رجال سند هم معتبرند لذا این حدیث « صحیحه » است.

ب) محمد بن یعقوب (مرحوم کلینی) عن ابی علی الأشعری عن محمد بن

عبدالجبار عن صفوان عن ابراهیم بن میمون عن ابی عبدالله (ع) فی الرجل فیرید ان یحج وقد حضر الحج ایحج ام یختن؟ قال: لا یحج حتی یختن (حر عاملی، ۱۳۷۳ ش،

ج ۹، ابواب مقدمات طواف، باب ۳۳، حدیث ۲)

این روایت هم تمامی رجال سند معتبر هستند فقط ابراهیم بن میمون محل بحث است. چون در کتب رجال توثیقی یا مدحی در مورد او نیامده است. (خویی، ۱۴۰۳،

ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰) لذا صاحب جواهر از این روایت تعبیری به « خبر ابراهیم بن میمون » می کند. (نجفی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۹، ص ۲۷۴) لکن باید بگوئیم هر چند ابراهیم بن میمون

توثیق صریحی در کتب رجالی ندارد لکن همان طور که مرحوم امامقانی فرموده

می‌توان او را از طریق دیگر توثیق نموده و اعتبارش را ثابت کرد. و آن مطلبی است که مرحوم وحید بهبهانی مطرح کرده است به اینکه ابراهیم بن میمون ۴۲ روایت در کتب اربعه دارد و در برخی از این روایات از صفوان و ابن ابی عمیر از او نقل روایت شده است.

با توجه به این که اگر سلسله سند منتهی بشود به صفوان یا یکی دیگر از اصحاب اجماع، بقیه سند از اعتبار برخوردار است و در این روایت نیز سلسله سند قبل از ابراهیم بن میمون منتهی می‌شود به صفوان، پس این روایت از اعتبار و وثاقت برخوردار است. مضافاً که ابراهیم بن میمون برادر عبدالله بن میمون است که حضرت امام جعفر صادق (ع) تمام این خانواده را مدح کرده، و آن خانواده را اهل برکت و خیر دانسته است. (مامقانی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۳۸-۳۳)

پس این روایت هم روایت معتبری است همچنانکه برخی از فقها آن را معتبر دانسته‌اند،

(ج) و عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عیسی عن حریر عن ابی عبدالله (ع) قال: لا یاس ان تطوف المرثه غیر المخفوضه فاما الرجل فلا یطوف الا و هو مختن (حر عاملی، ج ۹، از ابواب مقدمات طواف، باب ۳۳، حدیث ۳)

این روایت هم روایت معتبر و صحیحه است. البته ممکن است برخی اشکال کنند در مورد ابراهیم بن هاشم بر اینکه وی ثقه نیست چون توثیق صریح در کتب رجالی ندارد ولی این اشکال وارد نیست بخاطر اینکه اگر چه ابراهیم بن هاشم توثیق صریح ندارد لکن تعییراتی که مورد او در کتب آمده نشان می‌دهد وی ثقه بلکه فوق ثقه است، وی از بزرگان قم و از محدثان گرانقدری است که در انتقال احادیث ائمه (ع) خصوصاً به شیعیان قم نقش عظیمی داشته و نیمی از احادیث کتاب شریف کافی به نقل اوست. (خویی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۴۲) لذا وی ثقه بوده و این روایت معتبر و صحیحه است.

(د) همین روایت قبلی با سند دیگری نقل شده که مرحوم شیخ طوسی در تهذیب با اسناد معتبر و صحیحه خود نقل کرده است: از سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد عن ابی النجران و الحسین بن سعید عن حماله بن عیسی عن ابراهیم بن عمر عن

ابی عبدالله (ع) که متن همان متن قبل است که مرحوم کلینی نقل کرده بود (حر عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۹، ابواب مقدمات طواف، باب ۳۳).

این روایت چون راوی آن ابراهیم بن عمر است روایت مستقل است و مرحوم صاحب جواهر از این روایت تعبیر به « صحیححه ابراهیم بن عمر » کرده است. (نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۹، ص ۳۷۴)

هـ) عبدالله بن جعفر (فی قرب الاسناد) عن محمد بن عبد الحمید و عبدالصمد بن محمد جمیعا عن حنان بن سدید قال: سألت ابا عبدالله (ع) عن نصرانی اسلم و حضر الحج و لم یکن اختتن ایحج قبل ان یختتن؟ قال: لا ولكن یبدء بالسنة. (حر عاملی، همان، حدیث ۴)

این روایت سندش مورد اشکال است چون در مورد روایات قرب الاسناد اختلاف است.

ما در بررسی اسناد این چند روایت می بینیم که ۴ روایت سند آن صحیححه است و از اعتبار کامل برخوردارند، فقط یک روایت دچار اشکال است و آن روایت قرب الاسناد است. لذا ما می گوئیم اگر اسناد این روایات، صحیححه هم نبود باز و می توانستیم از باب « تضافر » حکم به صحت و تقویت این روایات کنیم.

۵. جمع بندی ادله و نتیجه

با بررسی اقوال و ادله به این مطلب می رسیم که شرطیت ختان در باب طواف اگر اجماع در آن نباشد یقینا شهرت قوی در حد اجماع در مسئله وجود دارد که همین شهرت خودش نکته مهمی است. مهمترینکه ما روایات صحیححه معتبره ای در مسئله داریم که دلالت آن ها هم صریح است و شرطیت ختان برای مردان را ثابت می کند. در سه روایت هم کلمه رجل دارد و هم دلالت آن بر شرطیت ختنه بسیار صریح است، بنابراین همان طور که اصل ختان برای مردان واجب دارد (وجوب نفسی)، ولی در اینجا در باب طواف هم ختان برای مردان در امر طواف واجب است (وجوب شرطی) (نجفی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۹، ص ۲۷۴)

شرط وجوبی یعنی مردان باید در طواف ختنه شده باشند و اگر این شرط نباشد

طواف باطل است مگر آنکه معذور باشند یا بنخاطر ضیق وقت و یا بنخاطر (اضطرار و امثال آن که در این صورت باید نایب بگیرد که این بحث دیگری است و این شرط ختان برای زنان مطرح نیست همان طور که اصل ختنه برای زنان مستحب است که در روایات و کتب فقهی از آن به «خفص النساء» تعبیر شده است. مضافاً که در دو روایت صحیح صریحاً در مورد زنان آمده است. «لاباس».

(حر عاملی، ۱۳۷۳، ج ۹، ابواب مقدماتی طواف، باب ۳۳، حدیث ۱ و ۳)

بنابراین بعد از بررسی اقوال و ادله مطرح شده، بدست می آید که شرطیت ختان برای مردان در مسئله طواف ثابت است و اگر این شرط نباشد طواف صحیح نیست و این شرط در زنان نیست.

۵-۱. دو فرع مستفاد از اصل مسئله

۵-۱-۱. فرع اول: (شرط ختان در صبی)

بر طبق تتبعی که در اقوال و ادله انجام گرفته است ثابت شده که مردان در امر طواف باید ختنه شده باشند و یکی از شرائط طواف «ختان» است حالا آیا این شرط ختان در صبی هم جاری است یا نه؟

در این مسئله بین علماء اختلاف شده است، برخی از فقها مانند مرحوم محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام این شرطیت ختان را در صبی معتبر نمی دانند و می فرمایند در روایات شرطیت ختان در مورد رجل آمده است و رجل در عرف غیر از صبی است و اطلاق بر مذکر بالغ می شود. (حلی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۳۱)

مرحوم شهید اول در دروس همین نظر محقق حلی را پذیرفته است. (شهید اول،

۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۶)

مرحوم صاحب ریاض در این مسئله تامل کرده و با عبارتی نظر مرحوم محقق را تقویت کرده و می فرماید: دلیلی بر شرطیت ختان برای صبی نداریم و اصل هم عدم شرطیت آن است. وی سپس به بررسی روایت می پردازد و می فرماید: «احترز بقوله» «فی الرجل» عن الصبی للاصل و عدم دلیل فیه و لا عموم فیه بل غایته الاطلاق المنصرف الی غیره لغلبته فتأمل. (طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۲۵)

مرحوم فاضل اصفهانی (فاضل هندی) در کتاب کشف اللثام همین نظریه را تقویت

می‌کند و می‌فرماید: این شرطیت ختان شامل صبی نمی‌شود لاصل و لعدم توجه النهی الیه. (اصفهانى، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۱۲)

در مقابل هم فقهای عظیم الشان دیگری هستند که قائل به شرطیت ختان برای صبی شدند:

مرحوم شهید ثانی در مسالک الافهام می‌فرماید: وفائده فی الصبی مع عدم التکلیف فی حقه لکن کونه شرطاً فی صحته کالطهارة بالنسبة الی الصلاة فی حقه یعنی هر چند تکلیف متوجه صبی نیست لکن شرطیت ختان، شرط در صحت عمل است مثل طهارت برای صلاة همان طور که نماز بدون طهارت صحیح نیست ولو از صبی باشد در طواف هم ختان شرط صحت آن است. (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۲۹)

مرحوم محقق کرکی در جامع المقاصد عباراتی شبیه شهید ثانی دارد (کرکی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۸۹) مرحوم صاحب جواهر بعد از آنکه عبارت مرحوم محقق در شرایع در عدم اعتبار شرطیت ختان برای صبی را نقل می‌کند قول محقق را مورد تشکیک قرار داده و می‌فرماید: لکن قد یقال ان النهی و ان لم یتوجه الیه الا ان الحکم الوضعی المستفاد منه ثابت علیه خصوصاً بعد صحیح معاویه بن عمار (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۲۷۴)

یعنی اگر چه در روایات آمده که نهی متوجه صبی نیست لکن این نهی در امور تکلیفی است نه امور وضعی. امور وضعی بر صبی هم جاری است در اینجا هم شرطیت ختان از احکام وضعیه طواف است و بدون ختنه طواف صحیح نیست.

مرحوم فاضل لنکرانی در کتاب تفصیل الشریعه شرطیت ختان را در صبی هم اعتبار می‌کند و می‌فرماید: اینکه گفته می‌شود صبی تکلیف ندارد مراد تکلیف الزامی است نه احکام وضعی، و الا احکام وضعی برای صبی ثابت است مثل ضمان و مثل طهارت برای صلاة (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۷۲).

دیدگاه برتر در فرع مذکوره؛ هر چند اقوال در اینجا مختلف است و شاید نتوان برای یک قول شهرتی یا اکثریت قابل توجهی مطرح کرد لکن با بررسی تمامی اقوال و خصوصاً با بررسی ادله‌ای که هر یک از فقهای عظیم الشان بر قول خویش استدلال

کرده‌اند می‌توانیم بگوئیم قول حق و قول قوی آن است که ما شرطیت ختان را برای صبی ثابت بدانیم. زیرا:

اولاً: اینکه گفته می‌شود صبی تکلیفی ندارد مراد تکلیف الزامی است و الا همه‌ی فقها قبول دارند که احکام وضعی در صبی هم جاری است، بنابراین وقتی ختان شرط است در صحت طواف، پس این شرط در صبی هم جاری است مانند طهارت برای صلاة، چون شرط وضعی است و در اصل عمل دخالت دارد. چنانکه برخی

از فقها استدلال کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۲۹، کرکی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۸۹)

ثانیاً: اینکه برخی از فقها قائل شدند اصل در اینجا عدم شرطیت و عدم تکلیف برای صبی است (اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۱۲) باید بگوئیم این اصل در صورتی ثابت است که ما دلیلی در مسئله نداشته باشیم و لذا در صورت وجود دلیل روایی و اجتهادی، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد. بنابراین ما باید سراغ روایات در مسئله برویم اگر از روایات این مطلب اثبات نشد آن گاه سراغ اصل عملی می‌رویم.

ثالثاً: عمده دلیل ما در اصل شرطیت ختان، روایات بود لذا باید سراغ روایات برویم تا ببینیم آیا دلالت بر صبی هم می‌کند یا نه؟ وقتی به روایات مراجعه می‌کنیم می‌بینیم در صحیحۃ معاویة بن عمار کلمه « الاغلف » دارد (حرعاملی، ۱۳۷۳، ج ۹، ابواب مقدمات طواف، باب ۳۳، حدیث ۱) و هیچ اشاره‌ای به رجل ندارد و این اغلف هم شامل رجل می‌شود و هم شامل صبی، یعنی مذکری که ختنه نشده باشد.

پس این صحیحۃ دلالت بر صبی می‌کند. برخی از فقها هم اشاره به این صحیحۃ در دلالت بر صبی کرده‌اند. (کرکی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۸۹)

مضافاً که در برخی از روایات هم کلمه رجل آمده است (حرعاملی، ۱۳۷۳، ج ۹، ابواب مقدمات طواف، باب ۳۳، حدیث ۲ و ۳) هر چند برخی از فقها رجل را منصرف به مذکر بالغ دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۲۵) لکن با دقت در عرف و لغت می‌بینیم رجل اعم از مذکر بالغ و غیر بالغ است یعنی شامل صبی هم می‌شود لذا در لسان العرب در معنای رجل آمده است: الذکر من نوع الانسان خلاف المرثة. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۲۶۵)

بنابراین باید بگوئیم شرطیت ختان در صبی هم جاری است و صبی در امر طواف

باید مختون باشد و اگر مختون نبود طوافش صحیح نیست و لذا زنان بر او حلال نمی‌شوند مگر اینکه مجدا نایب بگیرد یا ختنه کرده و سپس خودش طواف را بجای آورد که بحث آن در جای دیگری خارج از مبحث ماست.

۵-۱-۲. فرع دوم: شرطیت ختان در طواف واجب است یا در طواف

مستحبی هم جاری است؟

این فرع را بسیاری از فقها در ذیل مباحث شرطیت ختان مطرح کرده، و آن را به صورت مسلم پذیرفته‌اند و قائل شدند این شرطیت ختان هم در طواف واجب مطرح است و هم در طواف مستحبی.

استدلالی که فقها مطرح کرده‌اند از باب «قضایا قیاساتها معها» است. یعنی وقتی ما قائل شویم ختان شرط است برای صحت طواف، دیگر در این شرطیت و حکم وضعی فرقی بین طواف واجب و مستحب نیست، مرحوم صاحب ریاض همین مسئله را عنوان کرده، و می‌فرماید: من غیر فرق بین الفرض و النفل (طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۲۵)

مرحوم فاضل اصفهانی در کشف اللثام همین مطلب را دارد و بعد دلیل مهمتری اقامه می‌کند و آن اینکه روایاتی که در مسئله وارد شده و دلیل اساسی در این شرطیت ختان همان روایات است، آن روایات مطلق است و این شرط را به صورت مطلق مطرح کرده، و فرق بین طواف مستحبی و واجب نگذاشتند. (اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۵۲۶)

بنابراین ما از اطلاق روایات شرطیت ختان هم استفاده می‌کنیم که این شرط هم در طواف واجب جاری است و هم در طواف مستحبی.

۶. منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن براج، قاضی عبدالعزیز، (۱۴۰۶ق) المهدب، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول
۲. انیسی، ابراهیم، (۱۴۱۰ق) المعجم الوسیط، دار الامواج، بیروت، چاپ دوم
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق) لسان العرب، دارصاد، بیروت، چاپ اول
۴. اردبیلی، احمد، (۱۴۰۹ق) مجمع الفائدة و البرهان، موسسه نشر اسلامی قم، چاپ اول
۵. انصاری، مرتضی، (۱۴۲۵ق) کتاب الحج، موسسه آل البيت، چاپ اول
۶. اصفهانی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۲ق) کشف اللثام، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم
۷. امام خمینی، روح الله، (۱۴۰۳ق) تحریر الوسیله، مکتبه اعتماد، تهران، چاپ دوم
۸. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۹ق) الحدائق الناضره، موسسه نشر اسلامی، قم
۹. جوهری، اسماعیل، (۱۴۰۷ق) الصحاح، دار العلم، بیروت، چاپ چهارم
۱۰. حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۷ق) الکافی فی الفقه، موسسه نشر اسلامی، قم
۱۱. حلبی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق) تحریر الاحکام، انتشارات توحید، قم، چاپ
۱۲. حلبی، جعفر بن حسن، (۱۳۷۳ش) شرایع الاسلام، انتشارات امیر، قم، چاپ چهارم
۱۳. حلبی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ق) منتهی المطلب، موسسه آل البيت. قم
۱۴. حلبی، حسن بن یوسف، (۱۴۳۱ق) خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم، نشر فقاهت
۱۵. حلبی، محمد بن ادريس، (۱۴۲۸ق) السرائر، موسسه نشر اسلامی. چاپ

پنجم

۱۶. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۲ش) وسائل الشیعه مکتبه الاسلامیه،

تهران، چاپ هفتم

۱۷. خوئی ابوالقاسم، (۱۴۰۳ق) معجم رجال الحدیث، دارالزهراء، بیروت، چاپ

سوم

۱۸. خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۰۹ق) المعتمد، چاپ علمیّه، قم، چاپ اول

۱۹. راغب اصفهانی، (۱۴۲۶ق) حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، طلیعه

نور، قم، چاپ اول

۲۰. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۷ق) کتاب الحج، انتشارات توحید، قم، چاپ اول

۲۱. سبزواری، محمدباقر، (۱۴۲۲ق) ذخیره الاحکام موسسه نشر اسلامی، قم

۲۲. سبزواری، محمدباقر، (بی تا) کفایه الفقه، موسسه نشر اسلامی، قم

۲۳. شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق) الدروس الشرعیّه، موسسه

نشر اسلامی، قم، چاپ دوم

۲۴. شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۰۸ق) اللمعة الدمشقیّه، انتشارات

کتابخانه آقای مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم

۲۵. شهید ثانی، زین الدین علی، (۱۴۲۱ق) مسالک الافهام، موسسه معارف

اسلامی، قم، چاپ دوم

۲۶. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۸۲ش) من لایحضره الفقیه، دارالکتب

اسلامیه تهران

۲۷. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۱۸ق) الهدایه، مدرسه الامام المهدی

قم، چاپ اول

۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۴ش) التهذیب، دارالکتب الاسلامیه تهران،

چاپ پنجم

۲۹. طباطبایی، سید علی، (۱۴۲۰ق) ریاض المسائل، قم، انتشارات اسلامی، چاپ

چهارم

۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۷ق) المبسوط فی فقه الامامیه المکتبه

المرتضويه، تهران، چاپ اول

۳۱. طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا) النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات قدس محمدی، قم

۳۲. عمید، حسن، (۱۳۸۲ش) فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ بیست و ششم

۳۳. فاضل النکرانی، محمد، (۱۴۱۸ق) تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم

۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق) کتاب العین، دارالهجرة، ایران

۳۵. کرکی، علی بن الحسین، (۱۴۱۱ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، موسسه آل البيت، بیروت، چاپ اول

۳۶. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول

۳۷. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۰ق) المقنعه، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم

۳۸. مناسک حج، مطابق فتاوی حضرت امام و مراجع تقلید، (۱۳۸۸ش) انتشارات، قم

۳۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۵ش) جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران

۴۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۲۹ق) مستند الشیعه، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت



Nasim Kowsar

Scientific Quarterly

- Solutions to prevent delinquency and reform criminals
- Probative value of electronic evidence in Iranian and Afghan law...
- Jurisprudential review of circumcision condition in Tawaf
- The crime of theft and its punishment from the perspective of Islamic jurisprudence
- The theory of sanctity of Jihad before the rise of Hazrat Mahdi
- Essay on Jihad/ Gurban Ali Hakimi
- Blessing-making and blessing-burning factors in the Holy Quran